فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت

شماره ۳۱،
دوره چهارم،
سال هفتم،
تابستان ۱۴۰۲
صص ۱-۱۰

بررسی اثرگذاری آموزش مفاهیم درسی بر اساس تئوری انتخاب بر مهارت تصمیم‌گیری دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی کودکان کار و آسیب صبح رویش

مهسا صابری[۱]

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل و بررسی میزان اثرگذاری آموزش مفاهیم درسی بر پایه تئوری انتخاب بر مهارت تصمیم‌گیری دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی کودکان کار و آسیب صبح رویش می‌باشد. روش پژوهش از نقطه نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها از نوع نیمه آزمایشی با طرح گروه نابرابر بود. جامعه‌آماری شامل دانش‌آموزان ابتدایی مدرسه صبح رویش در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ است که تعداد آن‌ها ۷۱٤ نفر بود. از این تعداد ٤۰ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شده و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰نفر) و کنترل (۲۰نفر) تقسیم‌بندی شدند. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه آموزش تئوری انتخاب را دریافت نمود اما گروه کنترل از این آموزش محروم بودند. از پرسشنامه تصمیم‌گیری برای هر دو گروه استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج شده از طریق نرم‌افزار SPSS19 و آزمون کوواریانس انجام گردید. نتایج خروجی نشان داد که بین دو گروه مذکور تفاوت معناداری وجود داشته و آموزش تئوری انتخاب سبب افزایش مهارت تصمیم‌گیری در دانش‌آموزان شده است.

واژگان کلیدی: تئوری انتخاب، تصمیم‌گیری، صبح رویش، مدارس ابتدایی

۱- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند، دماوند، ایران (نویسنده مسئول) ms6371.ms@gmail.com

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]

مقدمه

در عصر حاضر یکی از معیارهای سنجش توسعه‌یافتگی هر کشوری چگونگی آموزش و میزان تراز سواد و دانش، دانش‌آموزان و دانشجویان است (هرمینو و آریفین[1] ۲۰۲۲). در جامعه فعلی آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد و کسب سواد برای تمامی اقشار جامعه لازم و ضروری است. زیرا جوامعی که به کسب علم دسترسی دارند؛ از منظر اجتماعی و فرهنگی دارای توسعه بیشتری می‌باشند. قبل از پیدایش مدارس به شکل امروزی، استفاده از مدارس و کسب سواد محدود به قشر اشراف بود و به دلیل محدودیت‌های موجود، مدارس برای همه افراد جامعه قابل استفاده نبود. از این رو اقلیت جامعه افراد تحصیل‌کرده و آگاه بودند و در نتیجه جامعه از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... توسعه همه‌جانبه نداشت. (قربانی،۱۳۹۷: ۳۹-۲۷). آموزش و پرورش زیربنای زندگی اجتماعی است که از بدو تولد بشر بر روی زمین وجود داشته است و آموزش فعالیتی است که یادگیری را تسهیل می‌کند. علاقه به درس، توجه، تلاش و تعهد دانش‌آموز را افزایش می‌دهد و در نتیجه بر یادگیری او تأثیر مثبت می‌گذارد. بنابراین، تلاش برای افزایش علاقه دانش‌آموزان، معیار مهمی برای تربیت معلم است (سیف، ۱۳۹۹: ۱۱-۱۰).

تصمیم‌گیری[2] شناسایی و انتخاب دیگر گزینه‌های موجود، بر پایه ارزش‌ها و ترجیحات شخص تصمیم‌گیرنده است (یامبو[3] ۲۰۲۲)؛ تصمیم‌گیری به این معنی است که باید گزینه‌های دیگری در نظر گرفته شود، در این صورت می خواهیم تا آنجا که ممکن است این گزینه‌ها را شناسایی نموده و موردی را انتخاب کنیم که دارای دو ویژگی باشد: ۱) حداکثر احتمال موفقیت یا اثربخشی را دارا باشد؛ ۲) به بهترین وجه با اهداف، خواسته‌ها، سبک زندگی و ارزش‌ها مطابقت داشته باشد. به طور کلی تصمیم‌گیری انواع مختلفی دارد که شامل: تصمیم‌گیری شخصی، تصمیم‌گیری گروهی، تصمیم‌گیری کمیته‌ای، تصمیم‌گیری سازمانی می‌باشد. مهارت تصمیم‌گیری و تعهد و پایبندی به انتخاب اتخاذ شده، انرژی درونی ما را آزاد نموده و به ما این امکان را می‌دهد تا آن نیرو را برای دستیابی به هدف مدنظرمان، در یک مسیر قرار دهیم. در حقیقت تعهد درونی آن پیامی است که بدون امضا ولی با علاقه، در وجودمان حفظ می‌نماییم (هکستال و ماهونی[4] ۲۰۱۳: ۱۰). تعهد بیرون: تعهد بیرونی پیامی است که ما برای رسیدن به خوشبختی و موفقیت با دیگران به اشتراک می‌گذاریم. مارچ[5] (۲۰۱۱ : ۲۸-۵۱). مطالعات زیادی در مورد افرادی وجود دارد که در مشاغل و روابط خود موفق هستند و موفق می‌شوند هر دو را با تحصیلات، ظاهر، شخصیت و ضریب هوشی متفاوت متعادل کنند، اما در یک مورد به طور تقریبی تفاوتی وجود نداشته است: همه آنان هیجان شدید خاصی دارند. چیزی که نام آن "تعهد بیرونی" است (سیلوا[6] و همکاران، ۲۰۲۱).

تئوری انتخاب بر مهارت تصمیم‌گیری و پذیرش مسئولیت انتخاب هایمان بسیار اهمیت داده و تاکید می‌کند که دیگران و شرایط بیرونی علت هیچ یک از اعمال ما نیستند. آنچه در دنیای بیرونی ما اتفاق می‌افتد نمی‌تواند ما را به انجام کاری وادار کند، بلکه فقط ما را به پاسخ دادن دعوت می‌کند و این انتخاب ماست که به دعوت آن چگونه و به چه صورتی پاسخ دهیم (گلاسر، ۲۰۰۰؛ ترجمه صاحبی، ۱٤۰۰: ۲٦). بر اساس این نظریه، کنترل انسان، کنترل آگاهانه

[1] Hermino & Arifin
[2] Making decision
[3] Yambo
[4] Hextall & Mahony
[5] March
[6] Silva

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]

است، به طوری که فرد یک رفتار کلی را انتخاب کرده و مسئول آن انتخاب است. انسان خواسته‌ها، انتظارات، افکار، عقاید و اعمال خود را انتخاب می‌کند تا بتواند بهترین و مطلوب‌ترین حالت را در درون خود ایجاد کند. رفتار نتیجه انتخاب انسان است (صاحبی، ۱۳۹۱: ۲۶). این نظریه منبع کنترل درونی فرد را افزایش می‌دهد. این موضوع با آزمایشات تجربی تایید گردیده است (روتوفسکی[1] و همکاران، ۲۰۲۱). رفتار اجتماعی نابهنجار با تولد انسان متولد می‌شود. البته بسیاری از این رفتارها اکتسابی است، از جامعه و دوستان، خانواده و ... نشات می‌گیرد. اغلب این رفتارهای نابهنجار ناشی از شرایط خاص هستند و در مدت زمان کوتاهی برطرف می‌شوند، اما گاهی اوقات این رفتارهای غیرعادی ادامه می‌یابند. از جمله این رفتارهای نابهنجار می‌توان به بی‌احتیاطی، نداشتن قدرت در تصمیم‌گیری و انتخاب و عدم مسئولیت‌پذیری در افراد اشاره کرد که همه ابعاد زندگی را دربرمی‌گیرد و گاه منجر به اختلال می‌شود (عبادی و همکاران، ۲۰۲۰).

دانش‌آموزان امروز سرمایه طلایی آینده دولت و ملت هستند. بنابراین برای حل این مشکل باید چاره‌ای بیندیشیم و آموزش برای ارتقای قدرت تصمیم‌گیری دانش‌آموزان از مشکلات تحصیلی و آموزشی جلوگیری می‌کند که منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی و به طور کلی افزایش روحیه تصمیم‌گیری و کیفیت سطح انگیزه جامعه می‌شود. با توجه به نتایج کمی و شواهد عینی، دانش‌آموزان از این حیث در وضعیت نامساعدی قرار دارند. دانش‌آموزان درگیر مشکلاتی مانند تغییر در مدل‌های آموزشی، حوزه‌های یادگیری، تغییر در بلوغ و تغییرات شناختی هستند و اگر در این بین قدرت تصمیم‌گیری را از دست بدهند، دچار خسران می‌شوند که می‌توان با شناخت روش‌های آموزشی موثر و کارآمد به یاری آنان شتافت. توانایی تصمیم‌گیری می‌تواند به طور مستقیم بر عملکرد فعلی فرد تأثیر بگذارد و باعث شود که رفتار خود را تغییر دهد. رابرت ای ولدینگ[2] عنوان کرده است که "کاربرد نظریه گلاسر در فرهنگ‌های مختلف نشان می‌دهد که این نظریه جهانی است و مختص فرهنگ خاصی نیست" با این وجود، نظریه‌ها و روش‌ها و تکنیک‌های مبتنی بر این نظریه، نیازمند تحقیقات علمی و آزمایشی درباره ی فرهنگ و ارزش‌های ایرانی است تا کارایی آن را محک بزنند. و از آنجایی که این نظریه رویکردی جدید به ویژه در ایران است و به دلیل عدم تحقیق در این زمینه، سوالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که آیا نظریه انتخاب آموزشی بر مهارت‌های تصمیم‌گیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد؟

روش

این مطالعه از نوع آزمایشی و آزمون ورودی کنترل شده تشکیل شده است. جامعهٔ پژوهش حاضر را دانش‌آموزان ابتدایی مدرسه‌ی صبح رویش در سال تحصیلی ۱۴۰۲ – ۱۴۰۱ تشکیل می‌دهند. نمونه این پژوهش ۴۰ نفر از دانش آموزان بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. افراد نمونه به طور تصادفی به دو گروه (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) تقسیم شدند و پیش‌آزمون در هر دو گروه انجام شد. نمرات پیش‌آزمون با استفاده از آزمون t برای گروه‌های مستقل مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد بین گروه کنترل و آزمایش تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. ابتدا برای ثبت نام در کلاس تئوری انتخابات اطلاعیه داده شد و سپس ۴۰ دانشجو داوطلب شرکت در کلاس شدند. سپس در جلسه‌ای با حضور کلیه دانش‌آموزان به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. در همان جلسه همه

[1] Rutkowski
[2] Rabert E. Welding

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]

به پرسشنامه تصمیم‌گیری دانش‌آموزان پاسخ دادند. دانش‌آموزان گروه آزمایشی به مدت ۸ دوره در دوره آموزشی تئوری انتخابات شرکت کردند. پس از پایان دوره، هر دو گروه آزمایش و کنترل به یک پرسشنامه پاسخ دادند. دو ماه بعد از پایان گروه آزمایشی مجدداً به همان پرسشنامه پاسخ دادند.

ابزارهای پژوهش:

پرسشنامه مهارت تصمیم‌گیری کردلو (۱۳۹۳): این آزمون توسط کردلو (۱۳۹۳) به منظور سنجش میزان مسئولیت پذیری دانش‌اموزان در خانه و مدرسه ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۵ مقیاس است. که به ترتیب در مقیاس اول فعالیت‌های دانش‌آموز در داخل و خارج از مدرسه پرسیده می‌شود. در این سوال به هر گویه یک نمره اختصاص یافته است و جمع گزینه ها میزان فعالیت های دانش‌آموز را نشان می‌دهد. مقیاس دوم مهارت تصمیم‌گیری دانش‌آموزان را در منزل مورد سوال قرار می‌دهد. برای هر گزینه ۱ نمره اختصاص یافته است و جمع گزینه ها میزان مهارت تصمیم‌گیری آزمودنی در منزل را نشان می‌دهد. هدف از مقیاس دوم مقایسه مهارت تصمیم‌گیری آزمودنی در محیط آموزشی و منزل می‌باشد. مقیاس سوم، میزان غیبت و تاخیر آزمودنی را مورد سوال قرار می‌دهد. مقیاس چهارم و پنجم پرسشنامه میزان تصمیم‌گیری، احساس امنیت، عزت نفس و تعلق را مورد سنجش قرار می‌دهد. روش نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت لیکرت می‌باشد، که در آن کاملا موافقم (۱ امتیاز)، ۲ موافقم (۲ امتیاز)، ۳ مخالفم (۳ امتیاز)، ٤ کاملا مخالفم (٤ امتیاز) دارد. برای سوالات منفی عکس نمرات فوق در نظر گرفته می‌شود. نمره کل در این پرسشنامه از مجموع نمرات مقیاس‌ها به دست می‌آید، پایین‌ترین نمره در این پرسشنامه ٥٦ و بالاترین نمره ۲۲٤ است. این آزمون بر روی جامعه آماری دانش‌آموزان شهر تهران اجرا شده است که در آن تعداد ٤۷۹ دانش‌آموزان دختر و پسر شهر تهران مورد آزمون قرار گرفته‌اند. روایی این آزمون از طریق همبسته کردن سوالات ۸۲/. و پایایی آن به استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۸۹٪ می‌باشد که نمایانگر روایی و اعتبار بالای آزمون می‌باشد. در پژوهش حاضر به منظور سنجش میزان پایائی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و به دلیل این که مقدار این ضریب بالای ۰/۷ بود پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار می‌باشد.

محتوای برنامه آموزشی تئوری انتخاب: برای آموزش تئوری انتخاب از بستهٔ آموزشی واقعیت درمانی استفاده شد. ویلیام گلسر در سال ۱۹۹٤ تئوری انتخاب را به عنوان یک نظریهٔ تعیین کنندهٔ رفتار و پشتیبان رویکرد واقعیت درمانی ارائه کرد. این تئوری شامل ۸ جلسه آموزش مطالب دربارهٔ موضوع انتخابی است.

جدول ۱. محتوای آموزشی تئوری انتخاب

جلسه	محتوی
اول	〉 آشنایی اعضای گروه با یکدیگر 〉 بیان هدف گروه 〉 مقدماتی دربارهٔ تاریخچهٔ تئوری انتخاب
دوم	〉 علت و چگونگی صدور رفتار از سوی ما 〉 معرفی پنج نیاز اساسی
سوم	〉 معرفی کنترل بیرونی و درونی 〉 آموزش اصول دهگانهٔ تئوری انتخاب

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]

	〉 رفتارهای مخرب و جایگزینی رفتارهای سازنده
چهارم	〉 جهان واقعی و جهان مطلوب 〉 چهار مولفهٔ رفتار کلی: فکر، عمل، احساس و فیزیولوژی 〉 معرفی ماشین رفتار
پنجم	〉 ساخت تصویر واقع‌گرایانه از اهداف 〉 معرفی ویژگی‌های هدف
ششم	〉 طرح و برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف 〉 روش‌های هدف چینی
هفتم	〉 گام‌های عملی در جهت اهداف
هشتم	〉 تصمیم‌گیری و قدرت انتخاب 〉 جمع‌بندی

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش توصیفی شاخص‌های مرکزی (میانگین و انحراف معیار)، و در بخش استنباطی از تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته‌ها

آزمودنی‌های این تحقیق دانش‌آموزان مقطع ابتدایی صبح رویش (٤٠ نفر) می‌باشند. فراوانی و اطلاعات جمعیت شناختی گروه در جدول آورده شده است.

جدول ۲. فراوانی و درصد فراوانی داده‌های توصیفی گروه آزمودنی (n=40)

متغیر	نام	فراوانی	درصد فراوانی	مجموع فراوانی
گروه	آزمایش (تئوری انتخاب)	۲۰	۳۵,۲	۳۵
	کنترل	۲۰	۳۵,۲	۳۵
	کل	٤٠	۱۰۰٪	۱۰۰٪

در تحقیق حاضر تعداد ۴۰ دانش‌آموز حضور داشتند که به صورت تصادفی در یک گروه آزمایش ۲۰ نفره و یک گروه گواه ۲۰ نفره تقسیم شدند.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی نمرات تصمیم‌گیری آزمودنی‌های تحقیق

متغیرها	شاخص‌ها	گروه کنترل		گروه آزمایش	
				تئوری انتخاب	
		پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
تصمیم‌گیری	تعداد	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
	میانگین	۹,۳۰	۸,۸۸	۸,۳۲	۱۲,۸٦
	انحراف معیار	۰,۳۱	۲,۳۹	۰,٤٥	۱,۵۳

همانطور که در جدول ۳ نشان داده شده است، میانگین نمره تصمیم‌گیری دانش‌آموزان در پس آزمون در گروه آزمایش

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]

افزایش یافت.

جدول ٤. نتیجه تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمرات پیش آزمون تصمیم‌گیری

متغیرها	منابع متغیر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین نمونه	نسبت F	معناداری
تصمیم‌گیری دانش‌آموزان	بین گروه‌ها	۹,۸	۲	۵,۳۳	۱,۲	۰,۷٦
	درون گروه‌ها	۳۰۱,۰۱	۳۸	٤,٦۷	۳,۰۵	
	کل	٤۰				

با توجه به جدول ٤ می‌توان دریافت که نسبت F=1.17 از F بحرانی و $\alpha = 0.05$ کوچکتر است. پس تفاوت بین میانگین نمرات پیش آزمون تصمیم‌گیری، در گروه آزمایشی و گروه کنترل معنی‌دار نیست. بنابراین می‌توان از برابری میانگین نمرات پیش آزمون تصمیم‌گیری در گروه آزمایش و کنترل اطمینان حاصل نمود. فرض معادل بودن گروه از نظر تصمیم‌گیری قبل از دستکاری آزمایشی پذیرفته می‌شود.

جدول ۵. چکیده تحلیل کوواریانس برای نمرات تصمیم‌گیری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P	η^2
همپراش	۳,۳۹۷	۱	۳۰۰,۰۹۱	۷۰,٦۱	/۰۰۰	/۰٤۱۰
اثر آموزش تئوری انتخاب	۸۰۱۷,۱۳	۱	۷۸۹٤۱,۲٤	۱۲,۸۱۲	/۰۰۰	/۲٦۹
خطا	٤٥٦,۷۸	۳۹	۱۱۱,۱۳۲	–	–	–

در نتیجه فرضیه پژوهش یعنی آموزش تئوری انتخاب بر تصمیم‌گیری دانش‌آموزان تاثیر دارد، تایید می‌گردد. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد مداخلات یعنی آموزش تئوری انتخاب موجب افزایش نمرات تصمیم‌گیری دانش‌آموزان در پس آزمون گروه آزمایش شده است. این بدین معنی است که حذف اثر پیش آزمون به عنوان متغیر همپراش، اثر اصلی آموزش تئوری انتخاب بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان معنی‌دار است. همچنین بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود داشت بدین صورت که تغییرات متغیر وابسته فقط در گروه آزمایش مشاهده شد که این نتیجه حاکی از اثربخشی مداخله آزمایشی است. یعنی ۲۵ درصد از واریانس تصمیم‌گیری دانش‌آموزان توسط آموزش تئوری انتخاب تبیین شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرگذاری آموزش مفاهیم درسی بر اساس تئوری انتخاب بر مهارت تصمیم‌گیری دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی کودکان کار و آسیب صبح رویش انجام شد. آموزش تئوری انتخاب شامل (آشنایی با تاریخچه تئوری انتخاب، آشنایی با ۵ نیاز اساسی، آشنایی با سیستم خلاق و رفتارهای مولد، چهار عنصر رفتار عادی، ماشین رفتار، ایجاد تصویری واقع‌بینانه از هدف، آشنایی با ویژگی‌ها. اهداف، برنامه‌ریزی برای اهداف، روش‌های هدف‌گذاری، گام‌های عملی به سمت اهداف، قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب) اجرا شده در ۱,۵ ساعت ۸ جلسه آموزشی، برای پاسخ به این فرضیه بیان می‌کند که با حذف اثر پیش آزمون به عنوان یک وابسته متغیر، تأثیر اصلی آموزش نظریه انتخاب بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموز است. همچنین بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود داشت، به

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]

طوری که تغییرات در متغیر وابسته تنها در گروه آزمایش مشاهده شد که نشان‌دهنده اثربخشی مداخله آزمایشی است. یعنی ۲۵ درصد واریانس در تصمیم‌گیری دانش‌آموز با یادگیری تئوری انتخاب توضیح داده می‌شود. نتایج پژوهش با یافته‌های وارنیر و همکاران (۲۰۲۰)، استون (۲۰۲۰)، نوخبزیان (۲۰۲۱)، مهرعلیان و همکاران (۱٤۰۱)، محمدی فر و همکاران (۱٤۰۱)، مشیریان فراحی و همکاران (۱۳۹٦) همخوانی دارد.

با توجه به یاقته فوق می‌توان دریافت که آموزش تئوری انتخاب با ایجاد سازوکارهای لازم در جهت پاسخگو کردن دانش‌آموزان، وی را برای قبول مسئولیت‌های مختلف فردی و اجتماعی آماده می‌سازد. همانطور که در یافته‌های نیز عنوان شد، آموزش تئوری انتخاب در ابتدا آشنایی با نیاز را در دانش‌آموز هدف قرار می‌دهد. دانش‌آموزی که در سن دبستان قرار دارد، معمولا نسبت به شناخت نیاز خود کندتر عمل می کند. با آموزش تئوری انتخاب، دانش‌آموزان ابتدایی یاد می‌گیرند که از راه کشف مساله، نیاز خود را بشناسند و در جهت حل مساله خود به شیوه‌های مختلف عمل کنند و در نهایت تصمیم قاطعانه‌ای اتخاذ نمایند. هدفمداری و شناخت اهداف خویش از مهمترین مولفه‌های این نوع آموزش است که به دانش‌آموزان در مسیر زندگی فردی و اجتماعی راهکارهای مناسبی پیشنهاد می‌دهد و باعث می‌شود ایشان تصویر واقعی از خود و پیرامون خود داشته باشند و بر این اساس بتوانند، تصمیمی مبتنی بر واقعیت و بر اساس هدف بگیرند. متاسفانه آنچه در دانش‌آموزان ابتدایی امروزه مشاهده می‌شود، عدم مسئولیت‌پذیری است که در رفتار ایشان کاملا هویدا است. گلسر (۱۳۹۷)، عنوان می کند که هدف هر رفتار، ارضای یکی از پنج نیاز اساسی است: بقا و زند ماندن، عشق و احساس تعلق، قدرت، آزادی و تفریح. چنانچه دانش‌آموزان یاد نگیرد و برای ارضای نیازهایش روش‌های مؤثر را پیدا نکند، به رفتارهای ناکارآمد و نامؤثری دست می‌زند که معمولا این دانش‌آموزان را در دوره ابتدایی مضطرب، افسرده ، خشمگین، منزوی و غیرمسئول خطاب می‌کنند. باید دانست که این موضوعات ریشه در دورن فرد دارد اما با آموزش‌های لازم مانند تئوری انتخاب می‌توان تا حدی، به رفتار مطلوب داشن آموزان و استقلال فکر و عملکردی ایشان کمک کرد. ناکامی در یادگیری منشأ عدم مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان است و این رفتار همیشه آنها را به سمتی سوق می‌دهد که ناگزیر سعی می‌کنند از راه‌های نامناسب نیازهای عاطفی خود را ارضا کنند. اگر یاد بگیرند که چگونه نیازهایشان را برآورده کنند، مشکلات اجتناب‌ناپذیر زندگی را به راحتی و بدون کمک والدین می‌توانند پشت سر بگذارند. هر چه در سنین کودکی این آموزه‌های را یاد بگیرند، در بزرگسالی بهتر می‌توانند مسایل را تحلیل کنند و درنهایت زندگی شادتری خواهند داشت.

لازم به ذکر است که بی‌توجهی با مؤلفه‌هایی مانند خودکارآمدی، انگیزه پیشرفت، اضطراب، امید، منبع کنترل و راهبردهای خودتنظیمی ارتباط زیادی دارد. برعکس، آموزش تئوری انتخاب نیز تغییرات مربوطه را در این مؤلفه‌ها ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، در تئوری انتخاب، به افراد آموزش داده می‌شود که توانایی خود را در تصمیم‌گیری در مورد مسائل زندگی خود بهبود بخشند. بر اساس این دیدگاه، کنترل انسان بر قدرت انتخاب، کنترل آگاهانه است که به موجب آن فرد «رفتار کلی» را انتخاب کرده و مسئول تصمیمات خود است. انسان خواسته‌ها، انتظارات، افکار، عقاید و اعمال خود را طوری انتخاب می‌کند که بتواند بهترین و خوشایندترین حالت را در خویش ایجاد نماید. رفتار نتیجه انتخاب انسان است. طهماسبیان (۱۳۹۳) این دیدگاه به منبع کنترل داخلی و مهارت های تصمیم‌گیری فرد می‌افزاید. مطالعات تجربی نیز این توضیح را تایید کرده است. همچنین باید در نظر داشت که تئوری انتخاب تلاش می‌کند تا فرد را از نیازها و توانایی‌های خود آگاه کند و آنها را به درستی ارزیابی کند. تحقیقات همچنین تأیید می‌کند

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]

که این دانش باعث افزایش عزت نفس و انگیزه رشد شخصی می‌شود در این زمینه، نظریه انتخاب به فرد می‌آموزد که چگونه نیازهای شخصی خود را برآورده کند و اهدافی را بر اساس واقعیت تعیین کند. طراحی و اجرای برنامه‌ریزی آگاهانه برای رسیدن به هدف های کوتاه مدت و بلندمدت موجب می‌شود تا راهبردهای خودتنظیمی شکل گیرند. این امر با پژوهش‌های انجام شده نیز به تایید رسیده است. پریش و بردنسکی[1](۲۰۱٤). اصول انگیزش و تقویت اصول مهمی در فرآیند یاددهی و یادگیری هستند که از طریق تئوری انتخاب مورد تاکید و اعمال قرار گرفتند. توجه به چنین ویژگی‌هایی نتیجه‌گیری فوق را منطقی و قابل اعتماد می‌کند.

در این پژوهش از کلاس‌های درس طبیعی به عنوان گروه آزمایش و کنترل استفاده شد. این امر در مطالعات انسانی رایج است زیرا انتخاب و تخصیص تصادفی امکان‌پذیر نیست. محدودیت منابع نظری مکتوب به راحتی در دسترس. این مقاله زمان و انرژی زیادی را صرف مطالب نظری برای توسعه مبانی نظری و روش‌شناختی تحقیق کرده است. از آنجایی که آموزش کودکان کار یکی از مفاهیمی است که در حوزه اجتماعی بسیار حائز اهمیت می‌باشد به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود بر روی ابعاد مختلفی که با رفتار و آموزش رفتاری کودکان در ارتباط هستند مطالعه و تحقیق نمایند و در جهت گسترش این مفهوم و ابعاد مختلف آن تلاش نمایند. با نگاه به نیازهای آموزش و پرورش، علاوه بر کار معلمان و تربیت خانواده، توصیه می‌شود در آموزش و پرورش، آموزش تصمیم‌گیری در اولویت قرار گیرد تا معلمان و والدین با راه‌های مختلف آشنا شوند. با تلاش کمتر دانش‌آموزان و کودکان. آنها را تشویق کنید که مسئولانه عمل کنند و عاقلانه کار کنند.

منابع

سیف، علی اکبر (۱۳۹۹). *روانشناسی پرورشی نوین*، تهران: نشر دوران.

صاحبی، علی. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و واقعیت‌درمانی بر افزایش عزت نفس و کانون مهار درونی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد. *مجلهٔ اصول بهداشت روانی*، ۱٤(۲)، ۱۷۲-۱۸۰.

طهماسبیان، کارینه (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی مهارت های اجتماعی برسبک های تصمیم گیریکودکان، مقالات هنردرمانی٤(۱۱) ،ص۲۳-۱۲.

قربانی، عمران؛ حسن زاده، محمد (۱۳۹۷). *دستنامه جامع و کاربردی پژوهش*، انتشارات آینده اموزان آرتا، صص ۳۹-۲۷.

گلسر، و. (۱٤۰۰). *تئوری انتخاب*، ترجمه علی صاحبی، تهران: انتشارات سایه سخن، چاپ هشتم. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۰).

گلسر، و. (۱۳۹۷). *تئوری انتخاب: درآمدی بر روان شناسی امید*. ترجمهٔ علی صاحبی. تهران: سایهٔ سخن.

محمدی فر، محمد علی و شیرازی نقندر، سمیه (۱٤۰۱). بررسی تاثیر آموزش تئوری انتخاب بر مسئولیت پذیری، تاب آوری و امیدواری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم، *مجله مشاوره مدرسه*، ۲(۱).

مشیریان فراحی، سیده مریم؛ مشیریان فراحی، سیدمحمدمهدی؛ آقا محمدیان شعرباف، حمیدرضا؛ سپهری شاملو، زهره (۱۳۹٦). اثربخشی واقعیت درمانی به شیوه گروهی مبتنی بر تئوری انتخاب بر کیفیت زندگی افراد پرخاشگر. *نشریه روان پرستاری*، ۵ (۱)، ٤۷-۵۳.

[1] Parish& Burdenski

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]

مهرعلیان، ملیحه و نیک نژادی، فرزانه (۱۴۰۱). بررسی اثر بخشی آموزش تئوری انتخاب بر مولفه های خودکارآمدی(میل به آغازگری رفتار، متفاوت بودن در رویارویی با موانع، میل به گسترش تلاش برای کامل کردن تکلیف) زنان دارای همسران معتاد، چهاردهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی.

Ebadi, Z., Pasha, R., Hafezi, F., & Eftekhar, Z. (2020). Effectiveness of reality therapy based on choice theory on marital intimacy and satisfaction. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, *8*(2), 2230-2239.

Hermino, A., & Arifin, I. (2020). Contextual character education for students in the senior high school. *European Journal of Educational Research*, *9*(3), 1009-1023.

Hextall, I., & Mahony, P. (2013). *Reconstructing teaching: Standards, performance and accountability*. Routledge.

March, A. F. (2011), Theocrats Living under Secular Law: An External Engagement with Islamic Legal Theory*. *Journal of Political Philosophy*, 19(1), 28-51

Nokhbezaein, P. (2021). Investigation of the Effect of Reality Therapy on Promoting Responsibility and Social Adjustment in Adolescent Females. *Pajouhan Scientific Journal*, *19*(2).

Parish, T. S., & Burdenski Jr, T. K. (2014). Pathways to Employment and Personal Happiness Can Be Found By Attending to Employers' and Our Own" Quality Worlds". *International Journal of Choice Theory & Reality Therapy*, *31*(1).

Rutkowski, S., Szczegielniak, J., & Szczepańska-Gieracha, J. (2021). Evaluation of the efficacy of immersive virtual reality therapy as a method supporting pulmonary rehabilitation: A randomized controlled trial. *Journal of Clinical Medicine*, *10*(2), 352.

Silva, C. G., Gordo, S., Rodrigues, A. C., Henriques, C., & Rosa, M. (2021). Exploring the Relationship between Socioemotional Skills and Decision-Making Styles in Health Students. *IAFOR Journal of Education*, *9*(5), 49-65.

Stone, J. (2020). Extended reality therapy: The use of virtual, augmented, and mixed reality in mental health treatment. In *The Video Game Debate 2* (pp. 95-106). Routledge.

Warnier, N., Lambregts, S., & Port, I. V. D. (2020). Effect of virtual reality therapy on balance and walking in children with cerebral palsy: A systematic review. *Developmental neurorehabilitation*, *23*(8), 502-518.

Yambo, J. M. O. (2022). Influence of the Principals' Decision Making Skills on Students' Academic Outcome in Public Teacher Training Colleges in Nyanza Region, Kenya. *Journal of Research Innovation and Implementation in Education*, *6*(3), 136-144.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]

Investigating the Effect of Teaching Curricular Concepts Based on Choice Theory on Students' Decision-Making Skills in Elementary Schools For Working and Disadvantaged Children in Growth Morning Schools

Mahsa Saberi[1]

Abstract

The primary purpose of the current research is to analyze and evaluate the effectiveness of teaching curricular concepts based on choice theory on students' decision-making skills in primary schools for working children and early childhood trauma. The research method was from the point of view of practical purpose, and from the point of view of data collection, it was a semi-experimental type with an unequal group design. The statistical population includes the primary school students of Sobh Roish School in the academic year 2022-2023, whose number was 714. Out of this number, 40 people were selected by cluster sampling and randomly divided into two groups experimental (20 people) and control (20 people). The experimental group received selection theory training for eight sessions, but the control group was deprived of this training. The decision-making questionnaire was used for both groups. Analysis of extracted data was done through SPSS19 software and the covariance test. The output results showed a significant difference between the two mentioned groups and that teaching choice theory increased students' decision-making skills.

Keywords: Choice Theory, Decision Making, Morning Growth, Primary Schools

1 Master of Educational Management, Islamic Azad University, Damavand Branch, Damavand, Iran (Corresponding Author)

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-07]